



## مراتب سه گانه «يقظه» و 10 نتیجه بیداری در پرتو قرآن

قرآن مجید انسان را نسبت به عقوبت گناهان آگاه فرموده و وی را پس از بیداری به عالم نور و یا عالم یقظه دعوت می‌نماید؛ این بیداری مراتبی سه گانه دارد و آیت‌الله العظمی غروی علیاری 10 نتیجه برای آن ذکر کرده است.

قرآن مجید انسان را نسبت به عقوبت گناهان آگاه فرموده و وی را پس از بیداری به عالم نور و یا عالم یقظه دعوت می‌نماید؛ این بیداری مراتبی سه گانه دارد و آیت‌الله العظمی غروی علیاری 10 نتیجه برای آن ذکر کرده است. در یادداشت پیشین کلیه مقدمات ورود به وادی سیر و سلوک بیان و به طور کامل شرح داده شد. یادداشت کنونی نیز شرح دقیقی از حالت یقظه و ورود سالک به عالم نور را ارائه می‌کند.\* اینکه انسان غافل چگونه روزی در می‌یابد که باید سیر معنوی خود را به در جهت رسیدن به کمال آغاز کند.

انسان غافل و بیداری معنوی

انسان یک روز به خود می‌آید و می‌فهمد هیچ کار نکرده در حالی که توانایی تمام کارها را داشته اما فرصت‌ها را از دست داده است. دلبستگی، امید به این دنیا، نعم این دنیا، توجه به این دنیای مادی سبب غفلت وی شده تا تقصیر در وظیفه داشته باشد. حتی نتوانسته کمی زمان برای مطالعه صرف کند یا با بررسی اعمال خود به گذشته‌اش وقوف پیدا کند تا بداند چه خطرانی عمرش را تهدید کرده تا در فکر تدارک و خلاصی از رقبت و بندگی و بدبختی و جهالت باشد. انسان غافل طلب نجات از آن وضع نداشته تا مابقی عمرش را لاف‌چران نکرده، تدارک نکرده، تأمین نکرده، کاری برای روز مبادا انجام نداده، همه این‌ها در اختیارش بوده اما روزی به خود برگشت تا گذشته را جبران کند. انسان غافل اسیر نفس بوده و توجه به امور دنیایی او را از غفلت نجات نداده و وی را به عالم یقظه هدایت نکرده است. انسان غافل نتوانسته نقصان‌ها را جبران کند، در اطاعت حق باشد، هرچه ضایعات در عمرش داشته، از آن‌ها اجتناب کرده و جبران مافات نماید. طاعت و بندگی، عمل به وظایف بیداری واقعی، زندگی با سالکان و صدیقین و صالحان و ابرار داشته باشد، نگاه کند به سیمای ابرار، خود را اصلاح کند، مجالست کند یا سالکین و صالحین با زندگی با آن‌ها گذشته‌ها را جبران کند.

عالم بیدار از منظر قرآن

خواب جسمانی نیاز اعضای بدن بوده و غفلت نوعی خواب معنوی بوده که انسان را از انوار الهی و نور هدایت محروم می‌کند. در نقطه مقابل یقظه بیداری معنوی بوده و ارتباطی به خواب جسمانی انسان ندارد لذا سالک پس از ورود به عالم یقظه حتی در خواب هم بیدار است. وی مواهب الهی را می‌بیند و حتی در خواب آن‌ها را بخوبی درک می‌کند. خداوند متعال در آیه ۴۶ از سوره شریف سبا خطاب به جناب انسان می‌فرماید: قُلْ إِنَّمَا أَعْطُكُمْ بَوَاحِدَةً أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَتَىٰ وَفَرَادَىٰ ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُمْ مِّنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَّكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ: بگو من فقط به شما يك اندرز می‌دهم که دو دو و به تنهایی برای خدا به پا خیزید سپس بیندیشید که رفیق شما هیچ گونه دیوانگی ندارد او شما را از عذاب سختی که در پیش است جز هشداردهنده‌ای [بیش] نیست». (سبا، 46)

در آیه شریفه ۴۶ از سوره سبا، خداوند متعال انسان را به جهاد دعوت فرموده و وی را نسبت به عقوبت گناه آگاه می‌کند. عرفای اسلام تفسیر خاصی از آیه فوق ارائه کرده و بیان کرده‌اند که منظور از به‌پاخیزی در آیه فوق دعوت الهی به جهاد نفسانی و ورود به عالم سلوک معنوی بوده است. از این رو از نگاه عرفان اسلامی قرآن مجید در آیه فوق انسان را نسبت به عقوبت گناهان آگاه فرموده و وی را پس از بیداری به عالم نور یا عالم یقظه دعوت می‌نماید. بشری که از حالت غفلت خارج می‌شود و از ورطه غفلت خارج شد به عالم یقظه، اشراق نور وارد خواهد شد، در آنجا نسبت به قلب عبد اشراق نور خواهد بود و با نور یقظه به منظور انجام وظایف الهی قیام می‌کند. یقظه از ورطه سستی و تنبلی نجات پیدا کردن است، خمودی باطن را کنار زدن بوده و به واسطه انوار واصل شده به قلب معنوی انسان را برای جهاد نفسانی آماده می‌کند.

مراتب سه گانه یقظه

صدیقین ۳ مرتبه برای یقظه قائل شده‌اند. اولین مرتبه از مراتب یقظه ملاحظه و لحاظ قلبانی است. قلب انوار الهی را درک می‌کند اما نمی‌تواند آن‌ها را هضم کند. عاجز است از درک صحیح مواهب الهی اما از حد و مرز نعم باطنی و حقیقی الهیه، وقوف پیدا می‌کند که نمی‌تواند چیزی را از نعمت‌های سرمدی الهی بدست بیاورد، ملتفت می‌شود که معرفت نعم الهیه را هنوز عباد و جدا بدست نیاورده است، و در درک معارف ناتوان است.

مرتبه دوم پس از ورود به عالم یقظه بررسی گذشته است. انسان آثار گناهان خود را به خوبی درک کرده و از خطرات عالم غفلت و غوطه ور بودن در آن آگاه می‌شود. وی در می‌یابد که نتوانسته از فرصت‌ها استفاده کند. برای مثال انسان به خود خواهد گفت که ۷۰ سال دارم، اما هنوز هم که هنوز است در حال درجا زدن هستم، در نفس اماره و موسوله مانده‌ام، هنوز هم که هنوز است از آن خلاصی پیدا نکرده‌ام.

سوم اینکه انسان نتایج اعمال خود را بررسی کرده و از خود می‌پرسد که من چه کرده‌ام، این عمر عزیز را کجا سپری کرده‌ام و من الاتصال الی الله او عدمه، و عدم تدارک مافات من عمری، هیچ کار نکردم، تأمین نکردم باقی عمرم را تدارک ننمودم.

از عارفان بزرگ نقل شده که عبد الواحد بن زید مرد بزرگی بوده است. وی در زمان حضرت موسی بن جعفر زندگی می‌کرده و در

رابطه وی کسی نقل کرده است که رسیدم به عارف آن صمدانی و وی را با نام عابد سبحانی مورد خطاب قرار دادم. وی به من رو کرد و گفت:

«چه لفظ بسیار سنگینی را استعمال کردی، من کجا، عبادت کجا؟ من کجا عرفان کجا، من کجا زهد کجا؟ چرا این حرف را استعمال کردی؟»

فرد مورد نظر گفت اگر عارف نیستی پس خود را به من بشناسان از این رو عبدالواحد بن زید پاسخ داد:

«بنده‌ای عاصی هستم که در مقابل کبریائی حق قرار گرفته‌ام، تعظیم کننده آن حضرت هستم، صابر بر قضای او هستم، راضی بر رضای سید و مولای خود هستم، بر نعمتش شاکرم، بر من گوارا است، در مقابل جلال آن حضرت خاضع هستم، اجازه داد تسلیم او باشم در مقابل قهاریت او خضوع می‌کنم، در محضرش متفکرم و عبادتم و وظیفه‌ام را کاملاً انجام می‌دهم! بنده‌ای عاجزم که در عشقش می‌سوزم، در راه رسیدن به لقای او می‌سوزم. نه عارقم، نه راهبم، نه زاهدم، من یک بنده ناچیز هستم که نفس بر من غلبه می‌کند، فقط نتوانسته‌ام جلو نفسم را بگیرم. تا به دیگران از طرف من خطری وارد نشود، از خدا می‌طلبم، از مولایم می‌خواهم مرا به عنوان یک بنده عاجز، قاصر، خاطی قبول نماید. در دنیا عصیان‌ها مرتکب شده‌ام. همه این‌ها مبداش حب الدنیا بود، مرا هم مثل شما گرفتار کرد، غافل کسی است که دلبستگی به این دنیا نداشته باشد. لحظه به لحظه نگاه کند مظاهر را ببیند، جمالا، جلالا، کمالا، اگر کسی به اینجا رسید او زاهد و عابد است. او عارف است نه من بنده عاجز در درگاهش.»

بزرگان این چنین زندگی می‌کردند، به مقام یقظه وارد شدند و عمرشان را در عالم نور سپری کردند.

فواید یقظه

به منظور تکمیل مطالب ارائه شده در رابطه با منزل اول باید به فواید یقظه اشاره کنیم. استاد بزرگوار آیت‌الله غروی علیاری ۱۰ مورد از فواید یقظه را نام برده‌اند که عبارتند از: در نتیجه وارد شدن به یقظه، خلاصی از غفلت و رسیدن به قرب حق، پرهیز و اجتناب از امور باطله حتی مکروهات، تقید به امور واجبه، شرعی و دستورات اسلام، نصایح اولیای حق، مقید بودن به مستحبات که قنطره است جهت رسیدن به قرب حق، تفضیم و تکریم امور دینی، اخلاقی و مذهبی و تقید در رسیدن به اخلاقیات سبحانی، احترام و تجلیل از مقامات اولیای حق که آن‌ها مظاهر حقند در روی زمین، توجه کامل به عدم غفلت، توجه کامل به یقظه در امور دنیایی از حال ارتحال تا ورود به عالم برزخ و قیامت، جلب رضایت حق در تمام امور، برای تمام عمر و اینکه شخص بررسی می‌کند که آیا این کاری که انجام می‌دهد در تمام احوالات و حالات و سکنتات مورد رضای حق است یا خیر، رسیدن به مقامات عرفتنی در دنیا، رسیدن به مقامات و کلمات دنیایی در نتیجه رسیدن به نعم سرمدی حق تعالی، رسیدن به لقاء الله در این دنیا که قول آقا میرزا جواد آقا ملکی عبارت است از رسیدن به مظاهر سبحانی حق در این عالم ماده و معز و مکرم زندگی نمودن.

با توجه به مطالب ارائه شده در ۵ یادداشت ارائه شده شرح کاملی از منزل اول سیر و سلوک الی الله ارائه شده است لذا در یادداشت بعدی مطالب مربوط به منزل دوم، توبه آغاز خواهد شد.

علیرضا خاوری، از شاگردان آیت‌الله غروی علیاری

\* لازم به ذکر است که مطالب ارائه شده در این بخش بر گرفته از نسخه شریف دروس سیر و سلوک تالیف آیت‌الله العظمی غروی علیاری، منزل اول جلسه سوم می‌باشند.